

۱ ملاحظه با توجه به کدام اصل از اصول حکمت متعالیه، تعدد و تکثر موجودات را در عالم هستی تبیین می‌کند؟ شرح دهید.

۲ دو مورد از منابع حکمت متعالیه را نام ببرید.

۳ مباحث «علم‌النفس» و «معاد» در کتاب اسفار اربعه ملاصدرا، با کدام سفر عرفانی مطابقت دارد؟  
(۱) سفر در خلق با حق  
(۲) سفر از خلق به حق

۴ با بیان نظر ملاصدرا و میرداماد در زمینه مبحث «اصالت وجود و اصالت ماهیت» تفاوت دیدگاه آن دو را شرح دهید.

۵ نظر «میرداماد» در مورد بحث اصالت یا اعتباری بودن وجود و ماهیت را بیان کنید.

۶ سفر عرفانی «از حق به سوی خلق همراه با حق»، با کدام مبحث کتاب اسفار ملاصدرا تطبیق می‌کند؟

۷ طبق «اصل مراتب داشتن وجود» در حکمت متعالیه، کثرت و اختلاف موجودات چگونه تفسیر می‌شود؟

۸ مقصود از سفر «از خلق به حق» در عرفان چیست؟ کدام مبحث کتاب اسفار ملاصدرا با این بخش مطابقت دارد؟

۹ از نظر ملاصدرا اختلاف موجودات، ناشی از چیست؟ تشبیه او را در این زمینه بنویسید.

۱۰ سفر عرفانی «در خلق با حق» با کدام مبحث کتاب اسفار ملاصدرا تطبیق دارد؟

۱۱ اصل مراتب داشتن وجود را در فلسفه‌ی ملاصدرا، با ذکر تشبیه‌ی که او به کار برده، توضیح دهید.

۱۲ مقصود از «اصالت وجود» چیست؟ و «میرداماد» طرفدار اصالت وجود بود یا ماهیت؟

۱۳ مباحث عمومی فلسفه در کتاب اسفار ملاصدرا، با کدام مرحله از سیر و سلوک عرفانی تطبیق می‌کند؟ توضیح دهید.

۱۴ معنای «اصالت ماهیت» چیست و کدام فیلسوف اصالت ماهیتی بود؟

۱۵ «وحدت حقیقت وجود» را از نظر ملاصدرا توضیح دهید.

۱۶ معانی این نظر که «وجود حقیقتی مشکک است» را توضیح دهید.

۱۷ نتیجه‌ی اعتقاد به اصالت وجود را شرح دهید.

۱۸ اگر به فرض، اصالت با ماهیت باشد، سیمای جهان چگونه خواهد بود؟

۱۹ در سفر چهارم یعنی سفر «فِي الْخَلْقِ بِالْحَقِّ» سالک یا عارف چه کاری انجام می‌دهد؟

۲۰ «سفر من الخلق الى الحق» به چه معناست و با کدام مبحث اسفار مطابقت دارد؟

- ۱ اصل مراتب داشتن وجود از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی می‌شود. (در صورتی که ضمن ذکر تشبیه کانون نور، این مطلب توضیح داده شود، نمره تعلق می‌گیرد.) (ص ۹۵)
- ۲ فلسفه مشاء - حکمت اشراق - عرفان اسلامی - تعالیم قرآن کریم و احادیث (ذکر دو مورد کافی است.) (ص ۹۱)
- ۳ گزینه ۱ (ص ۹۱)
- ۴ از نظر میرداماد آن امر واقعی و خارجی مصداق ماهیت است نه وجود یعنی آنچه واقعی است ماهیت است؛ پس اصالت با ماهیت است و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. اما ملاصدرا نظر دیگری ابراز کرد و گفت از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، وجود است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مابازاء و مصداق وجود است. (ص ۹۳)
- ۵ میرداماد معتقد است آن امر واقعی و خارجی، مصداق ماهیت است نه وجود، یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس اصالت با ماهیت است و وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. (ص ۹۳)
- ۶ افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی (ص ۹۱)
- ۷ از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است. اما دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. یعنی در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی است و هر مرتبه‌ای از وجود به میزان درجه وجودی خود ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است. (ص ۹۵ و ۹۶)
- ۸ در این سفر، سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. - مباحث عمومی فلسفه (ص ۹۰)
- ۹ با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. در مقام تشبیه، این حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می‌شود، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. (ص ۹۵)
- ۱۰ با مبحث علم النفس و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد (اشاره به دو کلمه نفس و معاد کافی است.) (ص ۹۱)
- ۱۱ از نظر ملاصدرا با این که هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. به کانون نور درخشانی تشبیه شده است.
- ۱۲ از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، وجود است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مصداق و مابازاء وجود است. پس وجود است که اصیل است نه ماهیت. میرداماد قائل به اصل ماهیت بود. (ص ۹۳)
- ۱۳ سفر از خلق به حق: در این سفر سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. (ص ۹۰)
- ۱۴ اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. - میرداماد (ص ۹۳)

۱۵ براساس اصالت وجود، و واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است. و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند. (ص ۸۷)

۱۶ یعنی این که وجود حقیقتی واحد است، اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد، شدت و ضعف وجود مانند شدت و ضعف در نور است. (ص ۸۷)

۱۷ چون مفهوم وجود امری واحد است و درباره هر چیزی که به کار رود معنایی یکسان دارد یعنی مفهوم وجود مشترک معنوی است. پس با این دیدگاه تمام زوایای جهان را حقیقتی مشترک یعنی وجود پر می‌کند. (ص ۱۳۰)

۱۸ یک جدول با خانه‌های بی‌شمار که هر خانه شکل و اندازه‌ای متفاوت دارد. (ص ۱۳۰)

۱۹ به هدایت مردم و کمک به آنها برای رسیدن به حق می‌پردازد. (ص ۱۲۵)

۲۰ در این مرحله سالک از طبیعت و برخی عوالم ماورای طبیعی عبور کرده و به ذات حق واصل می‌شود. با مباحث کلی درباره احوال وجود که مقدمه‌ی بحث توحید است مطابقت دارد. (ص ۱۲۵)